



بررسی تطبیقی ازدواج مسیار و ازدواج موقت در فقه شیعه

ابوالفضل ذوالفقارزاده^۱

دکتر یوسف مقدسی^۲

چکیده

این پژوهش درصدد بررسی مفهوم مسیار، علل پیدایش آن و مقایسه آن با ازدواج موقت و همچنین وجه اشتراک و افتراق مسیار با ازدواج موقت می باشد. ازدواج مسیار ازدواجی است که در سال‌های اخیر میان اهل سنت به ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و خاورمیانه شایع شده است. در این ازدواج، مرد و زن عقد شرعی با تمام ارکان و شرایط می‌بندند و فقط زن از سکونت و نفقه صرف نظر می‌کند. این مقاله استفاده منابع فقهی و نتایج تحقیقات انجام شده در رابطه با موضوع به انجام رسیده و هدف این تحقیق بررسی علل پیدایش مسیار و مقایسه آن با ازدواج موقت می باشد. روش به کار گرفته شده در این پژوهش توصیفی، تحلیلی است. عدم مقبولیت و مشروعیت ازدواج موقت از طرف اهل تسنن و همچنین وجود تعداد زیادی از زنان در کشورهای عربی که به سن ازدواج رسیده، اما امکان ازدواج برای آنان به دلایلی فراهم نشده است، ازدیاد زنان بی‌شوهر و علاقه مردان به تعدد همسر و عدم توان مالی پرداخت حقوق مالی زن، سبب پیدایش ازدواج مسیار شده است. با بررسی منابع مختلف مشخص گردید؛ در ازدواج مسیار و ازدواج موقت، عدم شمولیت حق نفقه به زن، حق قسم و مبیعت، ارث نبردن زوجین از یکدیگر و خروج زن از منزل با اجازه شوهر وجه اشتراک دارند. اما در تعیین مدت ازدواج و تعدد همسر فرق دارند. بعبارت دیگر در ازدواج موقت مدت ازدواج باید تعیین شود و عدم تعیین مهر در عقد موجب بطلان آن می‌شود، ولی در ازدواج مسیار مدت تعیین نمی‌شود و به صورت عقد دائم منعقد می‌گردد و تعیین مهر در عقد لازم نیست. پایان ازدواج مسیار با طلاق است، در حالی که پایان ازدواج موقت با انقضای مدت یا بذل صورت می‌گیرد. حدنصاب در ازدواج مسیار همانند ازدواج دائم چهار زن می‌باشد، ولی در ازدواج موقت حدنصاب مطرح نیست.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، مسیار، متعه، اهل سنت، نفقه

۱- مقدمه

قرن‌ها است که فقهای اهل سنت در خصوص نکاح متعه با امامیه اختلاف نظر دارند و نکاح متعه را که فاقد نفقه و مبیعت و توارث است و به صورت زمان مند منعقد می‌شود، تخطئه می‌کنند و قائل به تحریم و نسخ آن هستند. اخیراً در جوامع اهل سنت نوعی نکاح رواج یافته که اگرچه نکاح دائم است، اما از حیث نتیجه بسیار شبیه به نکاح متعه است و با شروطی که ضمن عقد صورت می‌گیرد، حق نفقه، سکونت، مبیعت و احیاناً حق مطالبه ارث به نحوی از انحا از زوجه سلب می‌شود و

^۱ دبیر آموزش و پژوهش، کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی ارومیه - bolfazl571550@gmail.com

^۲ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان - mogaddasi48@gmail.com



در مقابل، آزادی نسبی نصیب زوجه می‌شود (روستایی صدرآبادی، آیتی، ۱۳۹۱: ۹۷).

ازدواج مسیاری ازدواجی است که در سال‌های اخیر میان اهل سنت به ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و خاورمیانه شایع شده است. علما و حقوقدانان اهل سنت به بحث و بررسی درباره‌ی این ازدواج پرداخته و از زوایای مختلف آن را تجزیه و تحلیل نموده‌اند و عده‌ای قائل به جواز و مشروعیت آن شده و گروهی آن را نامشروع دانسته‌اند. این نوشتار به معرفی ازدواج مسیاری، تفاوت آن با ازدواج‌های دیگر، مشروعیت و جایگاه این ازدواج در بین اهل سنت و دیدگاه فقهای شیعه درباره آن، پرداخته است. در ابتدا لازم است ویژگی‌های ازدواج صحیح از دیدگاه اهل سنت به طور اجمالی بیان شود و سپس ازدواج مسیاری بر آن تطبیق گردد.

این تحقیق درصدد پاسخ به سؤالات ذیل است:

۱- علل پیدایش مسیاری چیست؟

۲- وجوه اشتراک و افتراق مسیاری و ازدواج موقت کدامند؟

۲- پیشینه

تعدادی از پژوهشگران نکاح مسیاری را دارای سابقه‌ی تاریخی دانسته‌اند و در این زمینه به برخی از متون فقهی استناد نموده‌اند: از جمله اینکه ابن‌قدامه در مغنی آورده است: «مردی که در ازدواج با زنی شرط نماید، در هر هفته یک شب نزد وی باشد در ازدواج دیگری شرط کند در هر ماه ۵ یا ۱۲ درهم به زوجه نفقه بدهد یا شرط نماید، روزهای مشخصی از ماه به ملاقات وی رود...» (ابن‌قدامه، بیتا، ج ۷، ص ۴۵۹). برخی «ازدواج مسیاری را پدیده‌ای جدید دانسته‌اند که ابتدا در منطقه تمیم عربستان سعودی ظهور پیدا کرد و سپس در سایر مناطق و کشورها گسترش یافت و کسی که فکر اولیه این ازدواج را مطرح نمود فهد الغنیم بوده است» (تمیمی، ۱۴۱۸ق: ش ۴۶، ص ۱۱).

اما عده‌ای دیگر روش ازدواج مسیاری را دارای سابقه تاریخی دانسته و در این زمینه به برخی از متون فقهی استناد نموده‌اند. از جمله ابن‌قدامه در مغنی آورده: «مردی که در ازدواج با زنی شرط نماید در هر هفته یک شب نزد وی باشد یا در ازدواج دیگری شرط کند که در هر ماه ۵ یا ۱۰ درهم به زوجه نفقه بدهد یا شرط نماید روزهای مشخصی از ماه به ملاقات وی رود» (مقدسی، بی تا: ج ۷، ص ۴۵۰). در مقام مقایسه با مسیاری برخی اظهار می‌دارند: «فرقی بین آن چه ابن‌قدامه آورده و آن چه در حال حاضر به نام عقد مسیاری وجود دارد، نیست مگر در اسم، که نام عقد مسیاری جدید است» (بریدی، ۲۰۰۷، ص ۲۰۴).

مورد دیگری که به آن استناد شده، ازدواج نهاریات و لیلیات است (یعنی ازدواج روزانه یا شبانه) «فقهای قدیمی نوعی ازدواج به نام نهاریات و لیلیات ذکر کرده‌اند، بدین صورت: «مرد با زنی ازدواج می‌کند که شب در خارج از منزل کار می‌کند و روز نزد شوهر می‌رود یا روز کار می‌کند و شب به منزل نزد شوهر می‌رود» (شعراوی، ۱۴۲۲ق: ص ۱۳۹). علما درباره حکم ازدواج نهاریات و لیلیات و نیز در مورد استحقاق نفقه برای زوجه بر فرض صحت این ازدواج اختلاف نظر دارند. برخی برای بطلان این نوع ازدواج دلایلی را مطرح نموده‌اند:

(الف)- این نوع ازدواج در سرزمین‌های اسلامی در زمان پیامبر (ص) و خلفا رایج نبوده، لذا این ازدواج شرعی نمی‌باشد (مروزی، بی تا: ج ۱، ص ۹۳).

(ب)- این نوع ازدواج از جهتی مخالف مقتضای عقد است و از جهتی موجب خلل در مقدار مهر و کم یا زیاد بودن آن می‌شود، همچنین آن را به ازدواج متعه نزدیک می‌سازد (قرافی، ۱۹۹۴ م: ج ۴، ص ۴۰۴). برخی از علما نیز آن را مباح دانسته



فقط در لزوم نفقه آن اختلاف نموده‌اند (حصکفی، ۱۳۶۸ ق: ج ۳، ص ۵۷۷).

بعضی نیز تفاوت مسیار با لیلیات و نهاریات را چنین بیان نموده‌اند: «در ازدواج لیلیات یا نهاریات زن در منزل شوهر حضور دارد و منزلی غیر از منزل زوج ندارد، مشکل آنها این است که برای کار در شب یا روز باید از منزل خارج شوند، ولی در ازدواج مسیار زن در منزل شوهر مأوی ندارد و زوج به زن نفقه نمی‌دهد و شوهر هر وقت خواست به نزد زن می‌رود؛ بنابراین زن در ازدواج مسیار از حقوق کمتری نسبت به ازدواج لیلیات و نهاریات برخوردار است» (اشقر، ۱۴۲۰ ق: ص ۱۷۳).

۳- تعریف لغوی مسیار

واژه «مسیار» در کتب لغت دیده نمی‌شود، هرچند ممکن است از ریشه «سار یسیر سیراً» به معنای راه رفتن ((ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۴) گرفته شده باشد. واژه سیر در قرآن کاربرد دارد، آنجا که میفرماید: آیا آنان در زمین سیر نکردند. بعضی میگویند: مسیار صیغه مبالغه از سیر است؛ یعنی کثیرالسیر (تمیمی، ۱۴۱۸، ص ۱۰).

مسیار کلمه‌ای معجمی و لغت نامه‌ای نیست؛ بلکه اصطلاحی عامیانه است که در کشورهای حاشیه خلیج فارس و عربستان به این اسم مروج است و بنابر تعریفی که در مجمع فقهی مکه مکرمه از آن ارائه داده‌اند: ازدواجی است دائمی با همان ارکان و شرایطی که نکاح دائمی دارد؛ با این تفاوت که زن از برخی حقوق خود مانند نفقه، مسکن و قسم (نوبت شب) صرف نظر و گذشت می‌کند و آن را در اختیار شوهر می‌گذارد که هر وقت برای او میسر شد به او سر بزند، و گذشت از حقوق خود از نظر شرعی اشکالی ندارد؛ زیرا همچنان که برای شخص جایز است که از دیگری حقوق خود را مطالبه نماید نیز برای او جایز است که از حقوق خود در گذر کرده معاف نماید؛ چنانچه ام المومنین حضرت سوده بنت زمعه رضی الله عنها از حق شب خود به نفع ام المومنین حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها گذشت (صحیح بخاری ۲۵۹۳/ و مسلم ۱۴۶۳) و در مورد مهر زنان در قرآن می‌آید: اگر با رضایت چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند آن را حلال و گوارا مصرف کنید قال الله تعالی: «فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» (النساء/۴).

درباره ریشه لغوی واژه مسیار دو نظریه مطرح است. برخی معتقدند: «مسیار ریشه لغوی ندارد. بلکه کلمه عامیانه‌ای است که در سرزمین نجد در عربستان سعودی به معنای دیدار روزانه (الزيارة النهارية) به کار می‌رود. وجه تسمیه این نوع ازدواج آن است که شوهر غالباً در دیدارهای روزانه به دیدن زوجه می‌آید، شبیه دیدار از همسایه‌ها» (تمیمی، ۱۴۱۸ ق: ش ۴۶، ص ۱۰). همچنین در تعریف دیگری آمده مسیار از سیر، حرکت و عبور گرفته شده و اصطلاح عامیانه‌ای است برای موردی که مرد در یکی از شهرهای مسیر گردش و ترددش برای تجارت یا کسب علم با خانمی ازدواج می‌کند که در زمان تحصیل یا تجارت نزد زوجه باشد. این دیدگاه را شیخ یوسف قرضاوی پذیرفته و می‌نویسد: «مسیار کلمه‌ای است که در خلیج رواج یافته و شاید به معنای مرور به زوجه یا سیر به وی می‌باشد و ازدواجی است که در آن زندگی دائمی و مبتی نیست» (اشقر، ۱۴۲۰ ق: ص ۱۶۱).

۴- مفهوم مسیار

این واژه در اصطلاح ازدواجی است که زن با شوهرش در تخفیف مهر، مسکن شرعی، مبتی و نفقه مدارا می‌کند. گاهی این ازدواج، محرمانه و مخفیانه صورت می‌پذیرد و غالباً زن در کشور و شهر خود است و شوهر با زن دائمی دیگر در کشور خود اقامه دارد (ابوالبصل، ۲۰۰۸، ص ۱۶). نیز گفته‌اند مسیار ازدواجی است که در آن، مرد و زن با دارا بودن همه شرایط عقد شرعی می‌بندند و فقط زن از سکونت و نفقه صرفنظر می‌کند (تمیمی، ۱۴۱۸: ش ۴۲، ص ۱۰).



مسیر از موضوعات جدید بوده و در کتاب‌های فقهی قدیمی چنین اصطلاحی وجود ندارد، اما فقها و حقوقدانان معاصر آن را این گونه تعریف نموده‌اند:

«ازدواجی است که در آن مرد و زن عقد شرعی با تمام ارکان و شرایط می‌بندند و فقط زن از سکونت و نفقه صرف نظر می‌کند» (تمیمی، ۱۴۱۸ق: ش ۴۲، ص ۱۰).

وهبة الزحیلی می‌نویسد: «مسیر ازدواجی است که با ایجاب و قبول، شهادت شهود و حضور ولی، بین مرد و زن منعقد می‌شود؛ بنابراین زن از حقوق مادی مثل مسکن، نفقه و فرزندی که به دنیا می‌آورد و برخی حقوق معنوی مانند: حق قسم و همخوابگی صرف نظر می‌کند. در این ازدواج زن قبول می‌کند که مرد فقط گاهی به او سر بزند. این عقد طبق توافق طرفین هم می‌تواند علنی و رسمی باشد که برای آن سند صادر شود و هم مخفی و سری. طرفین می‌توانند توافق کنند، در این ازدواج نسب و ارث حفظ می‌شود. اما زن در خروج از منزل آزاد است، چون شرط نفقه وجود ندارد، زیرا اطاعت زن در صورتی واجب است که شوهر نفقه بپردازد و اگر نفقه نباشد اطاعت واجب نیست» (زحیلی، ۱۴۲۸ ق، ص ۸۴).

برخی به همین تعریف اضافه نموده‌اند: «غالباً ازدواج مسیر ازدواج دوم یا سوم است و نوعی از تعدد زوجات محسوب می‌شود (اشقر، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۶۳).

شیخ عبدالله بن منیع عضو هیئت کبار العلمای سعودی و قاضی مکه می‌نویسد: «مسیر ازدواجی است که همه ارکان و شرایط ازدواج در آن وجود دارد. این ازدواج با ایجاب و قبول و با شرایط معروف یعنی رضایت طرفین، ولایت، شهادت و کفایت صورت می‌گیرد و در آن مهریه مورد توافق وجود دارد و برای صحت آن باید موانع ازدواج وجود نداشته باشد. بعد از انعقاد عقد تمامی حقوق مترتب بر عقد زوجیت از جهت نسل، ارث، عده، طلاق و مباح بودن رابطه نزدیکی، سکونت و نفقه ثابت می‌شود؛ اما زوجین توافق می‌کنند که زوجه حق نفقه و مبیعت (همخوابگی) ندارد و شوهر اختیار دارد هر وقت بخواهد به دیدار همسر خود بیاید» (تمیمی، ۱۴۱۸ق: ش ۴۶، ص ۱۵).

همچنین در معرفی ازدواج مسیر آورده‌اند: «زنانی که مشکل مادی، مسکن و نفقه ندارند؛ ولی به دلیل بیوه بودن کسی با آنان ازدواج نمی‌کند، این زنان از حق نفقه، مسکن و مبیعت صرف نظر می‌کنند و شوهر مختار است هر وقت میسر شد با وی ملاقات کند و این ازدواج تمام شرایط و ارکان عقد نکاح شرعی از قبیل گواه، تعیین مهر و ثبوت نسب را دارد. در این ازدواج زوجین توافق می‌کنند که زن در خانه والدین خود بماند و تقاضای مسکن، نفقه و حق قسم از شوهر ننماید. غالباً این ازدواج از جانب مردی است که فقیر بوده یا ازدواج مجدد سبب مشکلات با همسر اول می‌شود. این عقد علناً با حضور گواهان با رضایت کامل زوجین و حضور ولی زن و کلماتی که بر دوام نکاح دلالت دارد انجام می‌شود» (مولوی عبدالحمید، Sunnionlin.com).

برخی از فقهای شیعه ازدواج مسیر را چنین تعریف می‌نمایند: «ازدواج مسیر به حسب ظاهر ازدواج دائم با همه شرایط است، اما در آن حق نفقه، قسم و ارث نیست، یعنی شرط عدم مطالبه شده است و شرط عدم استحقاق زن نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۲۱).

۵- حکم نکاح مسیر

در خصوص حکم نکاح مسیر چهار نظر در بین فقهای عامه قابل احصاست:

۱. گروهی قائل به صحت عقد نکاح و شروط آن هستند (ابن سلیم، ۲۰۰۰ م، ص ۱۵) از نظر این گروه، اصل در عقود شرعی از جمله نکاح، اباحه است. لذا هر عقدی که ارکان و شرایط شرعی را داشته باشد، صحیح و مباح است؛ مادامیکه مانع



شرعی و نص خاص بر عدم جواز آن وارد نشده باشد و در مورد نکاح مسیاری نه تنها نص خاص و مانع شرعی وجود ندارد، بلکه عموم و اطلاق ادله‌ای که دلالت بر مشروعیت نکاح دائم مینماید، شامل نکاح مسیاری نیز می‌شود (اشقر، ۱۴۲۲ ق، ص ۱۷).

۲. گروهی قائل به صحت عقد نکاح و بطلان شروط آن هستند (همان، ص ۲۹۷) این گروه از فقها اصل نکاح را صحیح می‌دانند؛ زیرا آن را واجد تمام ارکان و شرایط نکاح صحیح می‌دانند. اما شرط تنازل از حقوق مشروعی که خداوند برای طرفین معین نموده است را غیرمشروع و لغو می‌دانند و معتقدند این شروط غیر مشروع، لغو بوده و ضرری به اصل نکاح وارد نمی‌سازد و زنی که از برخی از حقوق خود تنازل نموده است، می‌تواند حقوق خود را مطالبه نماید و شوهر باید حقوق مذکور را کما فرض الله به زوجه بپردازد. زیرا نفقه یا مبیعت و امثال آن قابل اسقاط نیست (همان، ص ۱۸۴-۱۹۵).

۳. گروهی نیز قائل به بطلان عقد و شروط آن هستند (همان، ص ۱۸۴-۱۹۵) این فقها نکاح و شروط آن را باطل دانسته و بعضاً آن را بدعت جدیدی تلقی کرده‌اند. از منظر این فقها شروط ضمن عقد نکاح از قبیل شرط اسقاط نفقه، مبیعت و اسقاط حق قوامیت مرد مخالف با مقتضای عقد است، لذا هم عقد و هم شرط باطل است (همان، ص ۱۵).

۴. گروه دیگر قائل به توقف هستند از آنجا که نکاح مسیاری دارای دو وجه است که گاهی پسندیده و گاه ناپسند است، برخی از فقها قائل به توقف شده‌اند و در این خصوص به نظری قطعی نرسیده‌اند (تمیمی، ۱۳۳۷ م، ش ۰۳، ص ۱۵) به نظر میرسد سبب توقف برخی از فقها در صدور حکم جواز آن است که عده‌ای از مردم در این ازدواج افراط نموده و دچار انحراف شده‌اند و از جانب برخی افراد ضعیف النفس مورد سوء استفاده واقع شده و مؤسساتی ایجاد شده که برای این نوع ازدواج قیمت تعیین می‌کنند و شکی نیست که این وضعیت باعث می‌شود در جواز ازدواج مسیاری تردید شود و آثار منفی زیادی که این ازدواج دارد، دلالت می‌کند بر اینکه در آن فساد هست که منجر به این آثار می‌شود (عتیبه، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۸).

به واسطه‌ی نوظهور بودن این نکاح و عدم نیاز به چنین نکاحی در فقه شیعه بسیاری از فقهای شیعه هنوز نظری در این خصوص ارائه ننموده‌اند. اما اکثر کسانی که اقدام به صدور فتوا نموده‌اند، در صورتیکه تنازل از حقوق به نحو شرط فعل صورت گیرد نه شرط نتیجه، عقد و شروط آنرا جایز دانسته‌اند (حسینی بقائی، ۱۴۲۹ ق، ص ۱۲۳).

بطور کلی بنا به نظر اکثریت قریب به اتفاق فقهای عامه و خاصه نکاح مسیاری ارکان و شرایط نکاح صحیح را دارا می‌باشد. زیرا دارای ایجاب و قبول و شرایط معروف ازدواج یعنی رضای طرفین، اذن ولی، حضور دو شاهد عادل، کفایت و مهریه‌ی توافقی می‌باشد و برای صحت این نکاح باید مانع شرعی نکاح، منتفی باشد. فقط زوجین توافق می‌کنند که از برخی حقوق خود تنازل نمایند (شعراوی، ۱۴۲۲ ق، ص ۱۹۸).

۶- ادلة حرمت

قائلین به حرمت به ادلة ذیل استناد نموده‌اند:

الف- عقد مسیاری با مقاصد شرعی ازدواج تنافی دارد. هدف از ازدواج در اسلام، تنها برآورده ساختن نیاز جنسی نیست؛ بلکه ازدواج سنت پیامبر (ص) است و برای معانی و مقاصد فردی، اجتماعی و دینی تشریح شده مانند: مودت و رحمت، سکون و آرامش، حفظ نوع انسانی، تعهد به صورت کامل و رعایت حقوق و تکالیف زوجین، اما ازدواج مسیاری هیچ‌کدام از این مقاصد را محقق نمی‌سازد (همان، ص ۱۸۱).

۷- حکم ازدواج مسیاری در فقه معاصر

ازدواج مسیاری ازدواجی است که در دوران معاصر در برخی کشورهای اسلامی و در میان اهل سنت رواج یافته و به همین



دلیل مورد نقد و بررسی فقها و علمای آنان می‌باشد، گرچه برخی از فقهای شیعه نیز آن را مورد بررسی فقهی قرار داده‌اند.

دیدگاه علمای اهل تسنن

در مورد حکم ازدواج مسیاری بین علمای معاصر اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد، برخی آن را جایز، برخی حرام و برخی قائل به توقف شده‌اند.

۸- جواز

عده‌ای ازدواج مسیاری را ازدواج صحیح و مشروع دانسته‌اند، اما در مورد شرایط آن اختلاف نظر دارند. برخی تمام شرایط آن را صحیح دانسته و عده‌ای اصل ازدواج را صحیح و شرایط ضمن آن (مانند شرط اسقاط حق نفقه و مبیعت) را باطل و زوجه را مستحق مطالبه آنها دانسته‌اند (اشقر، ۱۴۲۰ ق: ص ۱۷۸).

عده‌ای نیز زوج را به ایفای تعهد و مسئولیت در برابر زوجه فراخوانده و ریاست و مدیریت برای زوج قائل شده که باید تا حد امکان مشکلات زندگی را مرتفع سازد. غالباً طرفداران این نظریه، این نوع ازدواج را نمی‌پسندند، به همین سبب در مورد حکم این ازدواج عبارت «اباحه همراه با کراهت» را مطرح نموده‌اند. دکتر قرضاوی می‌نویسد: «من از مروجین ازدواج مسیاری نیستم و خطبه عقدی که برای ازدواج مسیاری باشد نمی‌خوانم. این ازدواج مباح است با کراهت، یعنی حلالی است که مستحب نیست و بیم آن می‌رود که به دنبال چنین ازدواجی خسارت و ضررهایی باشد» (همان، ص ۱۷۵).

استاد زحیلی در مورد مسیاری اظهار می‌دارد: «این ازدواج شرعاً مرغوب فیه نیست؛ زیرا در این ازدواج مقاصد شرعی یعنی سکون نفسی، اشراف بر اهل و اولاد، رعایت و حفاظت از خانواده به طور کامل و تربیت کامل محقق نمی‌شود» (همان). خطیب مسجدالحرام در این زمینه بیان می‌دارد:

«ممکن است، ازدواج مسیاری از برخی جهات ضررآفرین باشد؛ این ازدواج احسان را محقق می‌سازد، ولی مایه سکون آرامش نیست» (تمیمی، ۱۴۱۸ ق: ش ۴۶، ص ۱۵).

شیخ عبدالله عضو هیأت کبار علمای سعودی و قاضی دادگاه تجدید نظر نیز بیان می‌کند: «من نظر به منع ازدواج مسیاری ندارم، هر چند کراهت دارد و آن را موجب اهانت به زن و کرامت زن می‌دانم. لکن حق با زن است و راضی شده و از حق خود گذشته است» (اشقر، ۱۴۲۰ ق: ص ۱۷۵).

برخی نیز به جواز و صحت ازدواج مسیاری تصریح نموده و اشاره‌ای به کراهت آن ننموده‌اند. یا کراهت آن را وابسته به شرایط و اوضاع و احوال دانسته‌اند (همان، ص ۱۷۶).

۹- ادلة جواز

طرفداران این نظریه به ادلة ذیل استناد نموده‌اند:

الف)- ارکان و شرایط ازدواج صحیح را دارا می‌باشد؛ زیرا دارای ایجاب و قبول، شرایط معروف ازدواج یعنی رضای طرفین، ولایت، شهادت، کفایت و مهر توافقی در آن وجود دارد. برای صحت این ازدواج باید موانع شرعی منتفی شود (زن در عده نباشد و...) بعد از محقق شدن آن برای طرفین، تمامی حقوق مترتب بر ازدواج از جهت نسل و ارث، عده، طلاق، استباحه بضع، مسکن، نفقه و سایر حقوق و تکالیف ثابت می‌شود، فقط زوجین توافق می‌کنند که زوجه حق مبیعت یا قسم نداشته باشد و شوهر اختیار دارد که هر وقت خواست نزد زوجه بیاید (شعراوی، ۱۴۲۲ ق: ص ۱۳۸).

زحیلی می‌نویسد: «اصل در عقود شرعی از جمله ازدواج، اباحه است، پس هر عقدی که ارکان و شرایط شرعی را دارا



باشد، صحیح و مباح است، مادامی که منجر به حرام نشود» (اشقر، ۱۴۲۰ق: ص ۱۷۶). این دلیل، مهم‌ترین دلیل برای قائلین به اباحه و مشروعیت ازدواج مسیاری است.

(ب)- در سنت آمده سوده از همسران رسول خدا(ص) روز خود را به عایشه بخشید. وجه استدلال این است که بخشش سهم توسط سوده به عایشه و پذیرش پیامبر دلالت می‌کند بر اینکه زوجه می‌تواند حقی را که شارع برایش قرار داده، مانند نفقه و مبیعت ساقط کند.

(ج)- در این نوع ازدواج مصالح زیادی وجود دارد. این ازدواج غریزه فطری را پاسخ داده و از فحشا جلوگیری می‌کند و در مواردی زن فرزنددار می‌شود و بدون شک از تعداد زنان بی‌شوهر می‌کاهد.

(د)- از آن جا که انواع مشابه این ازدواج مانند ازدواج نهاریات و لیلیات در فقه وجود دارد، پس ازدواج مسیاری هم درست است (همان، ص ۱۷۹).

۱۰- نقد ادله جواز

برخی به مناقشه ادله جواز ازدواج مسیاری پرداخته و آنها را رد نموده‌اند:

(الف)- با وجود ارکان و شرایط ازدواج صحیح، شرط اسقاط نفقه و مبیعت صحیح نیست؛ زیرا خداوند بر زوج واجب نموده که به زوجه انفاق نماید و در بین زوجات نسبت به نفقه و مبیعت عدالت را رعایت کند، چنان که بر زوجه هم اطاعت از زوج را واجب کرده است. این موارد از آثار ازدواج صحیح بوده و چون خداوند آن را فرض و تشریح نموده است، افراد نمی‌توانند برخلاف آن شرط نموده و به نقیض آن ملتزم شوند. زیرا در این صورت متناقض با حکم شرعی خواهد بود. ممکن است کسی ادعا کند از بین رفتن نفقه و مبیعت در ازدواج مسیاری از باب اشتراط زوج بر زوجه نیست، بلکه زوجه از حقوقش صرف نظر می‌کند. در پاسخ باید اظهار داشت بسیاری از ازدواج‌های مسیاری از باب اشتراط زوج بر زوجه است و بر فرض اینکه زن از حق خود صرف نظر کند، این کار مشروع نیست، چون حق نفقه و مبیعت قابل اسقاط نیست.

(ب)- استدلال به حدیثی که بر طبق آن سوده سهم خود را به عایشه بخشید، نیز نمی‌تواند دلیلی بر مشروعیت ازدواج مسیاری باشد؛ زیرا حق مبیعت ملک سوده بوده و ملک خود را بخشیده است و در عقد شرط اسقاط گنجانده نشده است.

(ج)- وجود مصالح زیاد برای ازدواج مسیاری صحیح نیست؛ زیرا بیشترین اثری که در مورد مسیاری بیان شده کاهش زنان بی‌شوهر و اشباع رغبت جنسی زنان است. اولاً تعداد زنانی که ثروتمند بوده و نیاز مالی نداشته باشند کم هستند و فقط مشکل تعداد اندکی از زنان حل می‌شود، ثانیاً مفاسد زیادی بر این ازدواج مترتب است.

(د)- استدلال به وجود ازدواج‌های شبیه مسیاری یعنی نکاح نهاریات و لیلیات نیز صحیح نیست، این ازدواج‌ها همانند ازدواج مسیاری مورد اختلاف علما بوده و بسیاری آن را نپذیرفته‌اند (همان، صص ۱۹۵-۱۸۴). یا می‌آید «وَلَا جَنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا تَرَاضِیْتُمْ (النساء/۲۴)

هم چنین نکاح بدون ذکر مهر و حتی نکاح بدون مهر صحیح می‌باشد؛ البته در این صورت مهر مثل بر ذمه شوهر لازم می‌شود. المبسوط: ۵۹/۵ «وعقد النکاح بغير تسمية المهر جائز» وفي تبیین الحقائق ۵۳۳/۲ «صح النکاح بلا ذکر المهر وکذا نفیه» وایضا فی شرح فتح القدیر: ۲۱۰/۳، وفي مجمع الانهر ۳۴۵/۱ وفي الاحکام الشرعية فی الاحوال الشخصية ۱/ ماده ۱۱ و همین دلایل به طریق اولی بر معاف کردن نفقه نیز صدق می‌کند.

۱۱- آشنایی بیشتر با صورت های نکاح مسیاری



۱- شخصی برای تجارت یا برای تحصیل به شهر یا کشوری دیگر می رود و برای این که خود را از فعل حرام نجات دهد با زنی در آن شهر به صورت دائم ازدواج می کند و زوجه در نفقه و میت به زوج سخت نمی گیرد؛ یعنی: هرگاه این فرد فرصت یافت می تواند باهم باشند..

۲- بعضی از بیوه زنان به علت نداشتن مشکل مادی با بخشیدن نفقه و نوبت شب گذاری خود، بامردی ازدواج می کنند تا از حقوق زناشویی بهره مند شده و از منکرات به دور باشند.

۳- فرد متاهلی همسری دیگر را به گونه ای اختیار می کند که همسر اول وی با خبر نشود و این عمل را به این خاطر انجام می دهد که زندگی اش با همسر اول دچار مشکل نشود و بر اثر نکاح دوم مشکلات پیدا نشود و ازدواج دوم را از او پنهان نگه می دارد. در هر سه صورت؛ تمام شرائط و ارکان عقد نکاح شرعی از قبیل گواه، تعیین مهر، ثبوت نسب برای فرزندان از زن و مرد، رضایت طرفین و الفاظی که بر دوام نکاح دلالت کند و..... وجود دارد. و در بحث ادامه زندگی یا جدائی هم مانند بقیه متاهلین اند که زندگی زناشویی را ادامه می دهند و اگر از ادامه زندگی منصرف باشند، بوسیله طلاق؛ زندگی زنا شویی را قطع می نمایند و مانند متعه، موقت نبوده و خود بخود جدائی واقع نمی شود (روستائی صدرآبادی، آیتی، ۱۳۹۱: ص ۱۰۸).

۱۲- مقایسه ازدواج مسیاری و ازدواج موقت

ازدواج موقت ازدواجی است که در مدت معینی رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار می شود. از دیدگاه اهل سنت این ازدواج باطل است؛ زیرا آنان یکی از شرایط صحت ازدواج را غیرموقت بودن آن دانسته اند. ازدواج موقت از دیدگاه امامیه ازدواج مشروع و صحیح و دارای آثار و ثمرات خاصی می باشد و برای پاسخ به برخی ضرورت ها و نیازهای جامعه تشریع شده است. البته اهل سنت نیز مشروعیت ابتدائی ازدواج موقت را قبول دارند، اما معتقدند پس از مدتی حکم جواز ازدواج موقت نسخ شده است (علی محمدی، زرگوش نسب، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷). ازدواج مسیاری و ازدواج موقت از جهاتی با هم مشابه و از جهاتی فرق دارند:

۱۳- وجه مشابهت

هر دو عقد، ماهیت مشترک دارند و واجد تمام ارکان و شرایط نکاح صحیح بوده و عنوان نکاح و زواج بر آنها صدق می کند و مشتمل بر ایجاب و قبول و تعیین زوج، زوجه و مهر بوده و در هر دو نکاح زن باید خالی از موانع شرعی نکاح باشد و همین که عقد به طور صحیح واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف آنان در مقابل یکدیگر برقرار می شود. اولاد ملحق به پدر و مادرند و تمام احکام مربوط به ولد از قبیل محرمیت، ارث، نفقه، حضانت و ولایت بر آنها مترتب است و فرزند ملحق به شوهر است، اگرچه عزل کرده باشد و در هر دو، نکاح با زن مشرکه جایز نبوده و انتشار حرمت به واسطه ی مصاهرت و رضاع و حرمت جمع بین اختین وجود دارد. با فسخ نکاح یا طلاق در نکاح مسیاری و بذل یا پایان مدت در نکاح متعه و در صورت مواقعه و نیز در و طی به شبهه، زن باید عده نگه دارد. البته مدت عده در نکاح موقت کوتاه تر از عده ی نکاح مسیاری می باشد و در صورت عدم مواقعه و همچنین یائسه بودن زن، عده نیست، ولی عده ی وفات باید در هر دو نکاح رعایت شود (همان، ص ۱۱۹)

۱۴- وجه اختلاف

در ازدواج موقت مدت ازدواج باید تعیین شود و عدم تعیین مهر در عقد موجب بطلان آن می شود، ولی در ازدواج مسیاری مدت تعیین نمی شود و به صورت عقد دائم منعقد می گردد و تعیین مهر در عقد لازم نیست. پایان ازدواج مسیاری با طلاق است، در حالی که پایان ازدواج موقت با انقضای مدت یا بذل صورت می گیرد. حدنصاب در ازدواج مسیاری همانند ازدواج دائم



چهار زن می‌باشد، ولی در ازدواج موقت حدنصاب مطرح نیست (روستائی صدرآبادی، آیتی، ۱۳۹۱: ص ۱۱۸). در هر دو ازدواج زن حق نفقه، سکونت، حق قسم و مبیعت ندارد. زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند. خروج زن نیز از منزل، نیازمند اجازه ی شوهر نمی‌باشد و حق قوامیت مرد محدود می‌شود. در نتیجه نکاح مسیار باطناً و از حیث نتیجه شبیه به نکاح متعه است. اگر چه ظاهراً نکاح دائم به حساب می‌آید (همان، ص ۱۱۹).

در نکاح متعه، مدت ازدواج باید صراحتاً قید شود و عدم تعیین مدت موجب بطلان نکاح متعه و تبدیل آن به نکاح دائم می‌شود. اما در نکاح مسیار مدت تعیین نمی‌شود و به صورت عقد دائم منعقد می‌شود و تعیین مدت در آن موجب بطلان عقد می‌شود. تعیین مهریه در نکاح متعه لازم است و در صورت عدم تعیین مهریه نکاح متعه باطل است. ولی نکاح مسیار بدون ذکر مهر صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را با تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود. پایان نکاح متعه با انقضای مدت یا بذل بقیه مدت صورت می‌گیرد در حالیکه پایان ازدواج مسیار با طلاق است. در نکاح متعه، حد نصاب مطرح نیست، اما حد نصاب در نکاح مسیار مانند ازدواج دائم چهار زن می‌باشد. نکاح متعه با زن کتابیه جایز است، ولی نکاح مسیار جایز نیست. حضور دو شاهد عادل در نکاح متعه مستحب، ولی در نکاح مسیار واجب است. مدت عده در نکاح متعه دو قرء و در نکاح مسیار سه قرء است. نکاح متعه دارای پیشینه‌ی تاریخی است؛ اما نکاح مسیار از مسائل مستحدثه است. در نکاح متعه، ثبوت حق نفقه و قسم و بنا به نظر برخی ارث و حق قوامیت برای مرد، نیازمند شرط است؛ در حالیکه عدم حقوق مزبور در نکاح مسیار وابسته به شرط است (شعراوی، ۱۴۲۲ ق: ص ۱۳۸).

بنابراین سرنوشت ازدواج موقت به دلیل زمان و مدت معلومی که دارد به نوعی به دست زوجه سپرده شده است. یعنی زن می‌تواند با قید مدت کوتاه یا مناسب با نیاز خود هر وقت که تمایل داشته باشد از قید زوجیت خارج شود. اما در ازدواج مسیار زن از حقوق مهمی که دارد چشم‌پوشی می‌نماید؛ ولی در عین حال چون عقدی دائم محسوب می‌شود، برای جدایی باید زوج وی را طلاق دهد و این مسأله موجب ظلم به زن می‌شود (همان، ص ۱۳۹).

۱۵- دلایل استقبال از ازدواج مسیار

۱۵-۱- دلایل زنان

در سال‌های گذشته مردان رغبت بیشتری برای ازدواج مسیار داشتند، اما امروزه زنان خواهان ازدواج مسیار می‌باشند و شرایط ازدواج بر حسب نیاز زن تعیین می‌گردد مانند: تأمین محل سکونت، حساب بانکی، ماشین، تعیین وقت برای حضور شوهر (غامدی، ۲۰۰۷).

۱۵-۱-۱- **افزایش جمعیت**: مهم‌ترین سببی که منجر به انتشار ازدواج مسیار شده، وجود تعداد زیادی از زنان در کشورهای عربی است که به سن ازدواج رسیده، اما امکان ازدواج برای آنان به دلایلی فراهم نشده است. عواملی مانند: جنگ، ازدواج با زنان خارجی، دیدگاه منفی مردان و اجتماع در مورد زنان ازدواج نکرده یا زنان مطلقه به ویژه اگر از شوهر سابق فرزندی داشته باشند. باعث ازدیاد زنان بی‌شوهر می‌شود (اشقر، ۱۴۲۰ ق: ص ۱۶۸).

۱۵-۱-۲- **داشتن محرم برای سفر و...**: بسیاری از دختران دانشجو به سبب داشتن محرم در سفر خواهان ازدواج مسیار هستند. زنان با مردانی که کثیرالسفر یا خارجی هستند و معمولاً هر ماه یک بار یا هر دو ماه یک بار مسافرت می‌کنند ازدواج می‌کنند. برای این زنان جزئیات زندگی زناشویی، استمرار و استقرار آن مهم نیست. بلکه مسافرت و گردش به نقاط مختلف دنیا مهم است؛ زیرا چنین سفرهایی فقط با محرم در این کشورها امکان‌پذیر است. مهم‌ترین شرط برای استمرار این ازدواج،



استمرار سفرها است و زندگی زناشویی و زوجیت با پایان سفرها پایان می‌پذیرد (غامدی، ۲۰۰۷).

در برخی موارد نیز زنان به دلیل بهره‌مندی از منافع همراه داشتن محرم خواهان ازدواج مسیار هستند؛ زیرا در برخی اماکن مانند رستوران‌ها، نمایشگاه‌ها و... ورود زنان مشروط به همراه داشتن محرم است و بدون آن از ورود زنان ممانعت می‌شود.

۱۵-۱-۳- نگاه اقتصادی به همسر: در مورد دیگر ازدواج مسیار، زن شرط می‌کند که شوهر به عنوان معامله اقتصادی، اجاره منزل وی را پرداخت نماید. حتی اگر نکاح با طلاق و... پایان پذیرد، عقد اجاره قطع نمی‌شود؛ لذا ازدواج مسیار برای او در مدت کوتاهی منعقد می‌شود و هیچ نوع استقراری در آن نیست و این شرط سبب می‌گردد، زن برای مدت طولانی از مسکن مناسب برخوردار شود (همان).

۱۵-۱-۴- عدم مسئولیت: ازدواج مسیار برای زنانی که وقت زیادی را به کار مشغولند یا زنانی که نمی‌توانند بین کار و پاسخ به نیازهای خانواده، مانند: نیازهای شوهر و فرزندان جمع نمایند از ازدواج معمولی بهتر و مناسب‌تر است؛ به همین دلیل برخی آن را به عنوان جایگزین ازدواج عادی انتخاب می‌نمایند که در آن زوجه مسئولیتی ندارد، مگر در ساعاتی که در خانه است. در چنین ازدواجی زن شرط می‌نماید که شوهر از زمان ورود و خروج از منزل و مکان‌های که می‌رود سؤال نکند و در روابط خود آزاد باشد (همان). به همین سبب در عربستان سعودی بسیاری از زنان پزشک خواهان ازدواج مسیار با غیرسعودی‌ها هستند، زیرا مردان سعودی معمولاً نمی‌پذیرند که زن در ساعات طولانی خارج از منزل باشد (اشقر، ۱۴۲۰ق: ص ۱۶۷).

۱۵-۱-۵- مادر شدن: عده‌ای از زنان به سبب داشتن سن بالا و عدم رغبت ازدواج با آنها، تنها به دلیل مادر شدن و اشباع عاطفه مادری خواهان ازدواج مسیار هستند، هرچند به عنوان همسر دوم یا سوم باشند. ایشان در ازدواج مسیار وسیله‌ای برای تحقق هدف مادر شدن می‌یابند و در ازدواج مسیار یک شرط طلب می‌کنند و آن حامله شدن و فرزندآوری است و در این حال تمامی مسئولیت‌های تربیت، تکالیف و هزینه‌های اقتصادی طفل را خود بر عهده می‌گیرند (همان، ص ۱۶۸؛ ر.ک. غامدی، ۲۰۰۷).

۱۵-۱-۶- ارضای غرائز: برخی از زنان که ازدواج معمولی پاسخ‌گوی نیاز جنسی آنان نبوده، خواهان ازدواج مسیار هستند. برخی از نویسندگان نقش ارضای غریزه جنسی در انتشار این ازدواج را مهم شمرده‌اند، زیرا غریزه جنسی از قوی‌ترین غرایز نفسانی انسان است و انگیزه دعوت‌کننده به اشباع آن نیز خیلی قوی است (اشقر، ۱۴۲۰ق: ص ۱۶۷).

۱۵-۲- دلایل مردان

۱۵-۲-۱- بعضی مردان به دلیل نیاز به تعدد ازدواج یا رغبت در معاشرت جنسی و عدم اکتفا به یک زن و عدم توانایی مالی برای ازدواج مجدد و تأمین هزینه‌های آن مانند مهر، نفقه و تهیه محل سکونت، خواهان ازدواج مسیار هستند تا هم به نیاز خود پاسخ داده و هم متحمل هزینه زیاد نگردند.

۱۵-۲-۲- برخی دیگر از مردان توان مالی خوبی دارند، اما نمی‌خواهند اموال خود را در این راه خرج کنند، لذا خواهان ازدواج مسیار هستند.

۱۵-۲-۳- گاهی این ازدواج راهی برای استیلای مرد بر اموال یا بخشی از اموال زن می‌باشد. زن ثروتمند بخشی از اموال خود را در برابر چنین ازدواجی به شوهر می‌بخشد؛ زیرا بیم جدا شدن شوهر را دارد.

۱۵-۲-۴- گاهی به دلیل ناراحت شدن همسر اول از ازدواج مجدد مرد یا ناراضی‌تی خویشاوندان و فرزندان وی که ازدواج



مجدد را نمی‌پسندند، مرد خواهان ازدواج مسیاری مخفی است. مانند موردی که کار مرد در دو شهر است و در هر شهر خانه و خانواده‌ای تشکیل می‌دهد (شعراوی، ۱۴۲۲ ق: ص ۱۴۲).

برخی از نویسندگان علاوه بر عواملی که به زنان یا مردان نسبت داده شده عواملی را نیز به اجتماع نسبت داده‌اند که درانتشار ازدواج مسیاری موثر می‌باشد. از جمله بالا بودن مهریه، هزینه‌های ازدواج و نگاه منفی اجتماع به کسانی که خواستار تعدد ازدواج هستند. این عوامل افراد را بر آن می‌دارد که از ازدواج مسیاری به صورت پنهانی استفاده نمایند (بریدی، ۲۰۰۷). دلایل مردان از ازدواج مسیاری، کاملاً نشان می‌دهد که اهداف آنان تمتع جنسی بدون رعایت حقوق زنان است.

۱۶- امتیازات نکاح متعه بر مسیاری

آنچه در نکاح مسیاری دنبال می‌شود در نکاح متعه حاصل است و در آن نفقه و قسم واجب نبوده و توارث بین زوجین وجود ندارد و احکام آن از جانب شارع تشریح شده است. صرف نظر از مشروعیت نکاح مسیاری، ساختار این ازدواج از جهتی نظیر قراردادهای الحاقی بوده و اضطرار یک طرفه‌ی زوج از علل این ازدواج است. در نکاح مسیاری اسقاط حقوق زوج در مقابل امتیازاتی که عیدش می‌شود برابر نیست، اگرچه زن با رضایت خود از نفقه، ارث و حق قسم خود صرف نظر می‌کند. اما روشن است که اضطرار وی که ممکن است نتیجه بالا بودن سن یا شرایط مالی وی باشد، موجب این انتخاب می‌شود. این در حالی است که ساختار ازدواج موقت فضای بسیار وسیع‌تری را برای زوج ایجاد کرده تا حین ازدواج دارای حقوق مشروع دلخواه خود شود. لزوم تعیین مهریه حین‌العقد در نکاح متعه از مزیت‌های آن بر مسیاری است که تا حدود زیادی حقوق زوج را تضمین می‌نماید. ضمناً تمامی ایراداتی که اهل سنت به ساختار ازدواج موقت گرفته‌اند به طریق اولی بر ماهیت نکاح مسیاری وارد است، علاوه بر آنکه در نکاح مسیاری تعادلی بین حقوق و تکالیف زوجین نمی‌باشد و زنان از بلا تکلیفی بیشتری رنج می‌برند (علی محمدی، زرگوش نسب، ۱۳۹۵، ص ۱۱۹).

۱۷- نتیجه

نکاح مسیاری نوعی نکاح دائم است که در آن زوج از برخی حقوق خود مانند حق نفقه و سکونت و مبیعت (همخوابگی) و بنا به نظر برخی حق مطالبه ارث صرف نظر می‌نماید و در مقابل تا حدودی در امور خود مستقل عمل می‌کند و برای اشتغال و خروج از منزل نیازمند اجازه‌ی همسر نمی‌باشد. به نظر می‌رسد ضرورت‌های زمان و فقدان نهاد نکاح متعه در فقه عامه آن‌ها را به سوی این نکاح سوق داده است. در خصوص نکاح مسیاری بین فقهای اهل سنت چهار نظر قابل احصاست. گروهی عقد نکاح و شروط آن را صحیح می‌دانند. گروه دوم عقد را صحیح و شروط آن را باطل دانسته‌اند. گروه سوم عقد و شروط را باطل می‌دانند. گروه چهارم قائل به توقف شده‌اند. اما اکثریت قریب به اتفاق فقهای عامه قائل به صحت عقد و شرایط آن می‌باشد. اگر چه فقهاء عامه در مورد حکم نکاح مسیاری چهار نظریه ارائه نموده‌اند، اما اکثریت قریب به اتفاق آنان حکم به صحت نکاح مسیاری و شروط آن نموده‌اند و آن را واجد تمام ارکان و شرایط نکاح شرعی می‌دانند. نکاح مسیاری باطناً و از حیث نتیجه شبیه به نکاح متعه است، اگر چه ظاهر و چهره‌ی نکاح دائم را دارد. تمام آن‌چه در مسیاری دنبال می‌شود به صورت کامل در نکاح متعه مورد تشریح قرار گرفته است. لذا فقهای امامیه از این نکاح مستغنی هستند.

حد نصاب در نکاح مسیاری مانند ازدواج دائم، چهار زن می‌باشد در حالیکه در متعه حد نصاب مطرح نیست. پایان نکاح مسیاری با طلاق و پایان متعه با انقضای مدت یا بدل آن صورت می‌گیرد و زمان عده در متعه کوتاه‌تر می‌باشد از مزیت‌های نکاح متعه بر مسیاری آن است که پیشینه‌ی آن به صدر اسلام باز می‌گردد و مشروعیت خود را از شارع اخذ نموده و تمام



اهداف نکاح مسیاری را دربردارد، بدون آنکه نیازی به شروط ضمن العقد داشته باشد و زن در این نکاح از حقوق مشخص و متعادلی برخوردار است و اساساً فقدان این نکاح در جوامع اهل سنت آنها را به سوی نکاح مسیاری سوق داده است. عدم مقبولیت و مشروعیت ازدواج موقت از طرف اهل تسنن و همچنین وجود تعداد زیادی از زنان در کشورهای عربی است که به سن ازدواج رسیده، اما امکان ازدواج برای آنان به دلایلی فراهم نشده است. پیدایش ازدواج مسیاری ناشی از ازدیاد زنان بی شوهر و علاقه مردان به تعدد همسر و عدم توان مالی پرداخت حقوق مالی زن بوده است. بررسی منابع جهت مقایسه دو ازدواج نشان داد؛ در ازدواج مسیاری و ازدواج موقت، عدم شمولیت حق نفقه به زن، حق قسم و میت، ارث نبردن زوجین از یکدیگر و خروج زن از منزل با اجازه شوهر وجه اشتراک دارند. اما در تعیین مدت ازدواج و تعدد همسر فرق دارند. عبارت دیگر در ازدواج موقت مدت ازدواج باید تعیین شود و عدم تعیین مهر در عقد موجب بطلان آن می‌شود، ولی در ازدواج مسیاری مدت تعیین نمی‌شود و به صورت دائم منعقد می‌گردد و تعیین مهر در عقد لازم نیست. پایان ازدواج مسیاری با طلاق است، در حالی که پایان ازدواج موقت با انقضای مدت یا بذل صورت می‌گیرد. حدنصاب در ازدواج مسیاری همانند ازدواج دائم چهار زن می‌باشد، ولی در ازدواج موقت حدنصاب مطرح نیست.

منابع و مأخذ

- ❖ قرآن کریم، ترجمه آیت اله ناصر مکارم شیرازی.
- ❖ نهج البلاغه، سید رضی، محمد بن حسین موسوی، تصحیح عزیزاله عطاردی، قم، موسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق.
- ❖ ابن سلیم، عرفان، نکاح المسیاری و احکام الانکحة المحرمه، ج ۱، بیروت، المكتبة العصرية
- ❖ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱، بیروت لبنان، نشر دارصادر، ۱۴۱۴ ق، ج ۲
- ❖ ابوالصل، علی، (۲۰۰۸م)، دراسات فی فقه النوازل، عمان: دار اسامه.
- ❖ اشقر، اسامه عمر سلیمان، مستجدات فقهیه فی قضایا الزواج و الطلاق، ج ۱، اردن، درالنفائس، ۱۴۲۰ ق.
- ❖ انیس ابراهیم و دیگران: «المعجم الوسیط»، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج دوم، ۱۹۷۲م.
- ❖ بحرانی، یوسف: «الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره»، تحقیق محمد تقی ایروانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، بی تا.
- ❖ بخاری، صحیح بخاری، باب فی الارادة و المشیة، ج ۹، ص ۱۳۷
- ❖ بریدی، عبدالله، زواج المسیاری نمط قدیم فی التاریخ الاسلام، ۲۰۰۹
- ❖ تمیمی، احمد، نکاح المسیاری، مجله الاسره، هلند، شماره ۴۶، ۱۴۱۸ق
- ❖ جزیری، عبدالرحمن: «الفقه علی المذاهب الاربعه»، بیروت، دارالثقلین، ج اول، ۱۴۱۹ق.
- ❖ حصکفی، علاء الدین: «حاشیه ابن عابدین»، قاهره، مطبعة البابی الحلبی، ج دوم، ۱۳۶۸ق.
- ❖ راغب اصفهانی، ابوالقاسم: «مفردات راغب»، تهران، المكتبة المرتضویة، ۱۳۶۲.
- ❖ روستائی صدرآبادی، حمید، آیتی، سید محمدرضا (۱۳۹۱)، « بررسی مقایسه‌های نکاح متعه و نکاح مسیاری در فقه»، پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صفحه ۳۷- ۱۱۵
- ❖ زحیلی، وهبة: «قضایا الفقه و الفكر المعاصر»، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۸ق.
- ❖ شعراوی، محمد متولی، احکام الاسره و البيت المسلم، بیجا، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۰۲۲ ق.



- ❖ شهید اول، اللمعه دمشقیه، بیجا، قم، دارالفکر، ۱۰۱۱ ق.
- ❖ صادقی، محمد (۱۳۸۷)، «اهل تسنن و ازدواج مسیار»، مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۷ شماره ۴۰
- ❖ عتیبی، احسان بن عایش: «احکام التعدد فی ضوء الکتاب و السنه»، بی‌جا، چ اول، ۱۴۱۸ ق.
- ❖ علی محمدی، طاهر، زرگوش نسب، عبدالجبار (۱۳۹۵)، « بررسی فقهی تربیتی ازدواج مسیار در مطابقت با ازدواج دائم و موقت»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات فقه تربیتی سال سوم / شماره ۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۳۵ = ۱۰۹
- ❖ قرافی، شهاب الدین، الذخیره، چ ۱، بیروت، دارالغرب، ۱۹۹۴ م، ج
- ❖ مقدسی، عبدالرحمن بن إبراهیم، العده شرح العمده، قاهره، دارالحديث، ۱۴۲۴ ق.
- ❖ مکارم شیرازی، ناصر (معاصر)، (۱۳۸۶)، انوار الصول، مدرسه ۵۱، قم: مؤسسه امیرالمؤمنین (ع)

Abstract

This study seeks to investigate the concept of route, its causes and its comparison with temporary marriage, as well as the commonalities and differences between route and temporary marriage. Marriage is a marriage that has become common among Sunnis in recent years, especially in the Arab countries of the Persian Gulf and the Middle East. In this marriage, the man and the woman enter into a sharia contract with all the pillars and conditions, and only the woman renounces residence and alimony. This article uses jurisprudential sources and the results of research on the subject and the purpose of this study is to investigate the causes of the path and compare it with temporary marriage. The method used in this research is descriptive-analytical. The inadmissibility and legitimacy of temporary marriage by Sunnis, as well as the large number of women in Arab countries who have reached the age of marriage, But they have not been able to get married for a number of reasons. It was determined by examining different sources; In marriage and temporary marriage, non-inclusion of the right to alimony to the wife, the right of oath and allegiance, the couple not inheriting from each other and the wife leaving the house with the permission of the husband are common. But there are differences in determining the duration of marriage and polygamy. In other words, in a temporary marriage, the duration of the marriage must be determined and failure to determine the seal in the contract will invalidate it, but in a marriage, the duration will not be determined and it will be concluded as a permanent contract. The end of marriage is by divorce, while the end of temporary marriage is by expiration or divorce. The quorum in a regular marriage is the same as in a permanent marriage of four women, but in a temporary marriage there is no quorum.

Keywords: marriage, route, mut'a, Sunni, alimony.

